

ادامه از صفحه اول

آسیب‌شناسی اعدام در ملاء عام

به زبان دیگر، امروزه کم‌تر از بیست کشور در دنیا به اجرای این مجازات آن هم در شرایط خاصّ روی خوش نشان داده‌اند که آن‌ها هم به تدریج در حال تغییر موضع و تبدیل آن به مجازات‌های سنگین و در این میان حبس ابد هستند، و امّیدوار کننده‌تر آن‌که در حال حاضر در کم‌تر کشوری مجازات اعدام با طناب دار در دید شهروندان آن‌گونه که کشور ما مرسوم است در حق محکومان به اجرا درمی‌آید. بدیهی است که سخن از نفی مجازات و حمایت از قانون‌شکنان و مجرمان نیست، چه، از پیدایش نخستین اجتماعات بشری تا به امروز و تا بوده و نبوده در راستای اجرای عدالت، تأمین امنیت و ایجاد نظم، رعایت قاعده و قانون متناسب با خواسته‌ها و نیازهای شهروندان با بهره‌گیری اصولی از عناصر مثبت فرهنگ و لحاظ کردن زمان و مکان شرط بنیادی زندگی جمعی بوده است.

از یاد نبریم، تا قانون بوده، قانون‌شکن هم بوده است و هیچ جامعه‌ای نری از تخلف و جرم و جنایت نبوده و نیست، از طرفی برخورد با متخلفان، مجرمان و جنایت‌کاران در جهت صیانت از کیان جامعه اجتناب‌ناپذیر بوده و آنچه تفاوت در عمکردها را نشان می‌دهد، همانا سازوکار و ابزارهای لازم و متناسب در این برخوردها و چگونگی به‌کارگیری آنها با هدف اصلاح و تربیت و بازدارندگی است.

سخن از آثار و تبعات ناخواسته و زیان‌بار مجازات اعدام در ملاء عام از نظر روانی اجتماعی و فرهنگی است. از تصاویر خشن با پیامدهای ناخوشایند در زندگی فردی و اجتماعی شهروندان به‌ویژه خانواده‌ها، بستگان و آشنایان آنان بگریز، تا، تغییر ناگهانی وضعیت روحی و روانی جماعتی از پیکره جامعه.

بهرآسانی ما را چه شده است در مرگ دیگری ولو یک مجرم، این‌گونه بر سر ذوق آمده و بدون کم‌ترین احساس درد، آخرین لحظات جان‌کندن جان‌داری را با خونسردی هر چه تمام‌تر به تماشا می‌نشینیم؟ ما را چه شده است، فارغ از احساس مسئولیت انسانی- اخلاقی این‌گونه از تعهد خویش در جایگاه انسان مسئول شانه خالی کرده و نسبت به نتایج خشونت‌بار ناشی از به‌کارگیری چنین روش‌هایی بی تفاوتیم؟ چرا از گل آلود شدن سر چشمه غافل مانده و همچنان به پائین دست نگاه کرده و با آن ورّ می‌رویم؟ کجای شیوه اجرای این مجازات در قالب چنین نمایش عمومی و دهشتناک، وجه ترمیمی و به‌قول جناب دادستان شهرستان مراغه «جنبه پیشگیری و بازدارندگی» دارد؟ کجای به‌کارگیری روش‌هایی از این دست به پیشگیری انجامیده که این یکی آخرینش باشد؟ به‌کارگیری روش‌های خشن اینجینی از دریچه آسیب‌شناسی اجتماعی، جرم‌شناسی و روان‌شناسی کفبری و نیز تجربه تاریخ به هیچ وجه با پیشگیری مورد نظر پاره‌ای از مسئولان نسبتی نداشته و بیش از آنچه درمیان باشد، خود به زایش درد تازه می‌انجامد. در محبت آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری مرحله‌ای بعد از ریشه‌یابی و قیل از درمان است. به عبارت دیگر برای رسیدن به نتیجه مطلوب، ابتدا می‌بایستی به ریشه‌یابی آسیب‌ها و پیدا کردن علت‌ها، عامل‌ها، با انگیزه‌ها در ارتکاب جرم نظر داشت، آنگاه به پیشگیری همت گماشت و درمرحله آخر، درمان مناسب را با توجه به وضعیت عمومی «بیمار اجتماعی» برای او تجویز کرد.

اعدام آن‌هم با این شکل نه درمان درد است و نه بازدارندگی دارد، چرا که اگر داشت امروز شاهد کاربرد مکرر این مجازات در کشور نمی‌بودیم.

اعدام در بُرهه ای از تاریخ اجتماعات بشری و تا همین یک سده پیش شاید که نواسته است نشی را در ایجاد امنیت آن نماید، در قالب رعب و وحشت به‌صورت مقطعی ایفاء نماید، ولی در عصر حاضر این کارایی را از دست داده است.

شکل و شیوه اجرای مجازات اعدام در ملاء عام با کدام قاعده شرعی، قانونی، عرفی و اخلاقی همخوانی دارد؟

کدام یک از یافته های علمی در حوزه‌های جرم‌شناسی نوین، آسیب‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی، چنین روشی را تائید و نتیجه آن‌را در جهت خیر و صلاح جامعه ارزیابی کرده است؟ اگر قرار است، مجازات اعدام جنبه بازدارندگی داشته باشد، چرا آن‌گونه که شاهدیم تا کنون نتیجه‌ای از به‌کار گیری این مجازات حاصل نشده و بر خلاف انتظار صف محکومان به اعدام روزبه‌روز بلندتر شده است؟! چگونه و با کدام سازوکار اصولی قادر خواهیم بود، آثار سراسر آسیب تماشای چنین محتمه‌های هولناکی را از ذهن و خاطره تلخ تماشاگران این نمایش‌های بدآموز، به ویژه کودکان و نوجوانان، بردانیم؟

اگر قبول داریم، که مجازات جنبه شخصی دارد -که دارد- پس به کدامین استدلال حقوقی ترکش‌های سنگین این مجازات باید «جمع» بی‌خبر از همه‌جا و بی‌گناه را نیز هدف قرار دهد؟

تنوری «چرخش» درجرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی خشونت را زاده خشونت می‌داند. چرا و با کدامین منطق این همه پافشاری می‌کنیم تا از دل خشونت محصولی به نام اصلاح و بازدارندگی بیرون بیاوریم؟ اگر مجرم را در چارچوب قانون مستحق مجازات سنگین یعنی سلب حیات می‌دانیم، چرا اجرای مجازاتش را به تک خیابان حوالت می‌دهیم؟ عدالت را با مصحت میثانه‌ای نیست، اجازه ندهیم، این اصل ارزشمند قربانی مصحت گردد. این چه مصحتی است، که‌خروجی‌اش پرخشگرگی، نفرت و خشونت است!

در یک کلام؛ ندادختن طنابِ دار به گردن مجرم در ملاء عام، نه تنها به گرفتن «درس عبرت» منجر نمی‌شود که به کاشتن «بذر نفرت» خاتمه می‌یابد.

ویژه شهرستان

معاون استاندار فارس اعلام کرد:

خانه‌های مسافر فارس ساماندهی می‌شود



فرخ‌زاده با اشاره به اینکه ساماندهی خانه‌های مسافر نیازمند اقدامات عملیاتی و میدانی است، عنوان کرد: نخستین گام برای شروع این مسیر به دست آوردن اطلاعات دقیق و دسته بندی شده از این خانه‌ها در سطح شهر شیراز و شهرستان‌های فارس است.معاون هماهنگی امور زائرین و گردشگری استانداری فارس و ارائه خدمات درخور شان استان فارس و شهر شیراز به عنوان سومین حرم اهل بیت(ع) به مسافران، زائرین و مجاوران عزیز را مهمترین هدف برای ساماندهی خانه‌های مسافر دانست.

جانشین استاندار فارس در شورای توسعه گردشگری با بیان اینکه بسیاری از افراد که صاحبان و گردانندگان مجموعه‌های اسکان مسافر و اجاره خانه مسافر هستند، اطلاعات کافی درباره شرایط و مزایای دریافت مجوز

را ندارند، اظهار کرد: این موضوع نشان می‌دهد توجه به مسئله آموزش در حوزه گردشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید پیش از گذشته مد نظر قرار گیرد.

او یادآور شد: انجام اقدامات انگیزاننده و تشویقی بر اساس برنامه ریزی مشخص و در نظر گرفتن همه جوانب قانونی می‌تواند راهی برای خردوظاهاری صاحبان خانه‌های مسافر بگشاید.

فرخ‌زاده با تاکید بر اینکه هرگز نمی‌خواهیم رونق اقتصادی و درآمدزایی صاحبان و گردانگان مجموعه‌های اسکان مسافر و اجاره خانه مسافر هستند، اطلاعات کافی دربارۀ تعداد زیادی شغل در حوزه

مصوب، ارائه خدمات مطلوب، رعایت بهداشت و ضوابط اسکان حداقل‌های ارائه خدمات در این صنف است.

او ادامه داد: ایسن واقعیت می‌تواند پیش‌زمینه ای برای استفاده از ظرفیت خانه های مسافر به نحو مطلوب باشد چرا که به همان میزان تمایلی به استفاده از این خانه ها نیز در مقایسه با هتل‌ها بیشتر شده است.فرخ‌زاده یادآور شد: معتقدیم تلاش‌ها و اقدامات عملیاتی‌که از ایسن پس با همراهی دستگاه‌های متولی انجام می‌شود مشکلات اعلام‌رسانی و ارائه خدمات به مسافرین و زائرین در ورودی های شهرها توسل‌بخش خصوصی ، قیمت گذاری پی خواهد داشت.

بانوان نقش موثری در فرهنگ سازی مصرف بهینه آب در جامعه دارند

نقش بسزایی ایفاء نمایند.در ادامه این نشست فرمانده پایگاه بسیج خواران آبفای استان اصفهان به فعالیت های انجام شده اشاره و عنوان کرد: در حال حاضر ۱۲۰ تن از بانوان شاغل در آفا عضو بسیج خواران هستند که از این تعداد ۴۸ نفر فعال و ۷۲ نفر عضو عادی به شمار می آیند .
ریحانه نصراصفحانی افزود: بسیج خواران آبفای استان اصفهان مشارکت همیشگی در جمع آوری کمک های نقدی در آزاد سازی زندانیان غیر عمد همچنین در جمع آوری کمک های مومنانه به نیازمندان داشتند.
پویش نذر خون، پویش مادر و کودک با محوریت مدیریت مصرف آب، انتشار کلیپ و محتوای فرهنگی عفاف و حجاب با هدف آگاه سازی مردم در فضای مجازی، همکاری در برگزاری یادواره شهدای کارگری از جمله اقدامات دیگر بسیج خواران آبفای استان اصفهان بوده است.

عمومی و تخصصی در جامعه به کودکان امروز که پدران و مادران آینده هستند.دوی با اشاره به اهمیت صرفه جویی آب به ویژه توسط مادران و بانوان اعلام کرد: بعضی از افراد در خانواده ممکن است بر اثر وسواس دچار پر مصرفی آب باشند، باید بدانیم که وسواس در مصرف بی رویه نشی آب سزایی دارد و اگر آن را درمان یا کنترل کنیم قطعا در مدیریت بهینه مصرف آب تاثیر گذار است.

حبیبیان با بیان اینکه با انجام کار فرهنگی باید در رفتار مصرفی مردم به مرور زمان تغییر ایجاد کرد خاطر نشان ساخت: در این زمینه نقش بانوان پررنگ‌تر از سایر اقشار جامعه است. در صورت انجام کار فرهنگی تاثیر گذار، جامعه از وضعیت اسراف در منابع آبی به سمت مدیریت بهینه مصارف هدایت خواهد شد که در این میان خواران بسیجی در ادارات می توانند در ترویج فرهنگ صحیح مصرف آب

سازمان آگهی‌ها

۰۹۱۲۶۸۷۰۱۹۱

۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم آقای نبی الله کمالو اصلانطی وارده‌شماره۴۳۱۷۰۴۳۰۴۵ مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۸ با تسلیم استشهادیه گواهی امضا به شماره ۱۷۳۴۶ مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۸ دفترخانه ۹۳۶ تهران تقاضای صدورسند مالکیت المثنی نموده و مدعی است سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۸۴/۸۰ متر مربع پلاک ۳۳۰۰۴ فرعی از ۲۱۰۶ واقع در بخش ده تهران ذیل ثبت ۴۰۵۶۶۵ صفحه ۳۸۸ دفتر ۱۴ به‌شماره چاپی ۳۳۷۲۳۴ به نام نبی اله کمالو ثبت و معارضه شده و به علت سرقت مفقود گردیده لذا مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۳۰ آیین نامه قانون ثبت در یک چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به آن و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است چنانچه در مهلت مقرر اعتراضی واصل نگردد المثنی سند مالکیت مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم میگردد. (شناسه آگهی : ۱۵۰۴۷۳۳۶ / ۲)

سید هادی جلالی امام – سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم آقای زهری کمالو اصلانطی وارده شماره۹۴۹۲۹۰۴۵۰۴۵ مورخ ۱۴۰۲/۲/۲۳ با تسلیم استشهادیه گواهی امضا به شماره ۱۷۳۴۴ مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۸ و رمز تصدیق ۷۵۱۵۸۲ دفترخانه ۹۳۶ تهران تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده و مدعی است سند مالکیت یک قطعه آپارتمان به پلاک ثبتی ۴۴۳۷ فرعی از ۲۱۰۶ اصلی مقروّز و مجزا شده از ۴۶۰ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۴ در طبقه ۱ واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۵ حوزه ثبت ملک رودکی تهران استان تهران به مساحت ۸۳/۲۵ متر مربع بانضمام پارکینگ قطعه ۱ با مساحت ۱۰/۸ متر مربع در مالکیت زهری / کمالو فرزند محمد شماره شناسنامه ۱۷۳۰ تاریخ تولد ۱۳۴۱/۰۳/۰۶ صادره از کمیجان دارای شماره ملی ۵۷۱۹۱۱۲۵۸۸ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت۲۳۶۰۰۹ تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۰ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۱۹۲۲۸ سری و سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۴۷۹۱۷۰۴۵۰۱۴۵۰۱۴۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ ثبت گردیده است و برابر سند رهنی شماره ۰۱۰۱۳۶۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۱ و سند رهنی شماره ۲۲۳۴۱۴ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۶ دفترخانه اسناد شماره ۳۰ شهر تهران در رهن بانک مسکن میبشاد به علت سرقت مفقود گردیده لذا مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۳۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میگردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به آن و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است چنانچه در مهلت مقرر اعتراضی واصل نگردد المثنی سند مالکیت مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم می گردد. (شناسه آگهی : ۱۵۰۴۷۳۳۸ / ۳)

سید هادی جلالی امام – سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران

آگهی عدم تسلیم سند مالکیت مورث (موضوع تبصره ۳ ماده ۱۳۰ آیین نامه قانون ثبت)

نظر به اینکه منوچهر توکللی و خانم مژگان توکللی و خانم پروین طاهر نژاد به وارده شماره ۱۳۹۳۰۱۱۴۵۰۰۱۳۹۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۴ دفترخانه ۹۳۶ تهران تقاضای صدور سند مالکیت نسبت به سهم الارثشان از شش دانگ پلاک ثبتی ۵۲۷۶ فرعی از ۱۱۷ اصلی نموده است سند مالکیت شش دانگ یک قطعه آپارتمان به پلاک ثبتی ۵۲۷۶ فرعی از ۱۱۷ اصلی مقروّز و مجزا شده از ۵۰۳۸ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۳ در طبقه یک واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۱۱۸/۳۱ متر مربع مشخّمات مالکیت مصطفی حیدری بعنوان مالک شش دانگ که بنامش ذیل ثبت شده ۶۴ صادر و سند مالکیت به شماره چاپی ۱۵۵۸۳۰ صادر و تسلیم گردید و سپس برابر سند قطعی شماره ۲۷۹۷۸ مورخ ۱۳۷۲/۰۷/۲۸ دفترخانه ۳۷۵ تهران شش دانگ به ابوالفضل توکللی و پروین طاهر نژاد بانصافه منتقل گردید (که مورد ثبت بعلت انتزاعی بوده در صفحه ۲۷۵ دفتر املاک جلد ۸۸ ذیل شماره ۱۱۶۹۷ ثبت گردیده است) برابر گواهی حضوررأئت شماره ۱۳۸۹/۱۲/۲۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۸ شعبه ۶۴ مجتمع شماره ۲ ششورای حل اختلاف تهران و گواهی واریز مالیات بر اربث ۳۹۹۸ مورخ ۱۳۹۰/۰۱/۲۳ آقای ابوالفضل توکللی فوت نموده است که وراثت حین الفوت بنام پروین طاهر نژاد همسر متوفی منوچهر مهرداد – مژده و مژگان شهرت همگی توکللی فرزندان متوفی می باشند نظر به اینکه منوچهر توکللی و خانم مژگان توکللی و خانم پروین طاهر نژاد به وارده شماره ۱۳۹۳۰۱۱۴۵۰۰۱۳۹۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۴ از این اداره تقاضای صدور سند مالکیت نسبت به سهم الارثشان از شش دانگ پلاک ثبتی ۵۲۷۶ فرعی از ۱۱۷ اصلی نموده اند و اعلام نموده اند اصل سند مالکیت نزد منوچهر توکللی میبشاد اخطر نسبت به شماره ۰۱۴۵۰۰۱۴۵۰۰۱۴۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ به نامبرده ابلاغ شده است، از تسلیم آن خودداری نموده، لذا بناوجه به سپری شدن مهلت قانونی مراتب در اجرای دستور تبصره ذیل ماده ۱۳۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت و در این نشریه آگهی میگردد که دارنده سند مالکیت مذکور از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز سند مالکیت را تسلیم و یا مجوز قانونی نگاه داشتن آنرا ضمن اعتراض خود را به این اداره اعلام نمایند، در صورت تقضا، مدت عدم وصول اعتراض موجه سند مالکیت مورد تقاضای متقاضی طبق مقررات صادر و تسلیم خواهد شد. (شناسه آگهی : ۱۵۰۴۳۷۹ / ۴)

محمد گلپای – رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران

شهرستان

سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲ ■ سال هشتم ■ شماره ۲۱۸۶

ادامه از صفحه اول

وجوه روانشناختی نامه «ویدارباتی»

حتی اگر مسئولان زندان با نیت خیر و برای کمک و «آرام کردن» زندانی‌ها، چنین گشاده‌دستانه، داروی روان‌پزشکی را توزیع کرده باشند، باید بدانند که بازی با داروی اعصاب به شدت خطرناک است و هر تصمیمی درباره زمان مصرف، دوز مصرفی و قطع یا ادامه مصرف آن، باید و باید زیر نظر روانپزشک باشد تا تبعات آن کاهش یابد.ما دقیقاً نمی‌دانیم که درگذشت ناگهانی دو سه نفر بازداشتنی اعتراضات پائیز گذشته چند روز بعد از آزادی، متأثر از مصرف خارج از پروتکل دارو (در بازداشتگاه) و قطع ناگهانی آن(بعد از آزادی) بوده یا نه؛ یا به رفتارهای ایام بازداشت ربط داشته است یا نه.اما حتی اگر از این «کیس»‌ها بگذریم، توزیع داروی روان در زندان بدون تجویز روان‌پزشک و همراهی روانشناس بالینی، خطای پزشکی بزرگی است که مستلزم پاسخگویی در نهادهای قانونی و البته سازمان نظام پزشکی و سازمان نظام روانشناسی است.

۱۳ نکته دیگر، بحث افزایش پرونده پزشکی خانم ربانی است. چنانچه خبر خبرگزاری میزان مستند به دست‌یابی به پرونده ایشان در خارج از زندان بوده باشد (و نه مستند به وبسایت و داروی داخل زندان)، لکنه ننگ بزرگی بر دامن شبکه بهداشت و درمان کشور است و روان‌پشک یا روانشناسی که پرونده را از محرمانگی خارج کرده، باید پاسخگو باشد. در غیر این‌صورت، همین اندک اعتماد مردم به رازداری و امانت‌داری روانشناسان، دچار خدشه بزرگی خواهد شد و تبعاتی بزرگ‌تر و ویران‌گرتر برای بهداشت روان مردم خواهد داشت. بنابراین بر انجمن‌های روانپزشکی و روانشناسی کشور است که به‌وظیفه اخلاقی و انسانی خود عمل کرده، و در این باره واکنش مناسب نشان دهند.در این موضوع مهم یک درخواست ابتدی از جناب آقای محسنی اژه‌ای ریاست محترم قوه قضائیه لازم به نظر می‌رسد:

۱- خبرگزاری میزان را اگذار دهند که از انتشار جوابیه‌های این چنینی تحت هر انگیزه‌ای بپرهیزد؛ این رفتار علاوه بر غیر اخلاقی و غیر شرعی بودن، بازتاب‌های وسیعی پیدا کرد که نه به صلاح زندانی است نه دستگاه قضا.

۲- موضوع بسیار مهم توزیع داروی روان در زندان‌ها را بررسی و راستی‌آزمایی کنند و صلاحیت شخصیتی، علمی و روانی پزشک مورد اشاره خانم ربانی، مأمور پرخاشگر و خانم زندانیان را ارزیابی کنند.

۳- اگر مأموری (که نقش ضابط قضایی را دارد) با هر روشی، مبادرت به دست‌یابی غیرقانونی به پرونده پزشکی محرمانه زندانی (ویدارباتی) در کلینیک‌های خارج از زندان کرده، دستور دهید بررسی و جبران شود.

ادامه از صفحه اول

امیدهای یک سفر امریکایی گرانه

همچنین آزادی سه شهروند آمریکایی بازداشت شده در ایران کشور، و حضور ایمن آنان و جاشوا فتل) و آزادی ملوانان انگلیسی در خلیج فارس با میانجی‌گری سلطان عمان صورت گرفت. سلطان نشین عمان، میزبان مذاکرات محرمانه هستنای، قبل از آغاز به کار دولت روحانی و آغاز رسمی مذاکرات ۵۰۱ مورد در صورت نظر طرف در سال ۲۰۱۳ بوده است. پس از فوت سلطان قابوس، سلطان هیثم بن طارق، پادشاه جدید عمان اعلام کرد که سیاست خارجی دوستانه و مسالمت‌آمیز این کشور در قبال کشورهای دیگر تداوم خواهد یافت. این امیدواری وجود دارد که این سفر، بتواند باعث تنش‌زدایی بیشتر در روابط خارجی ایران و نیز پیشرفت مذاکرات هسته‌ای ایران بشود.